

Mapping of Ontological Metaphor in the Story of *Setar* by Jalal Al-Ahmad from Cognitive Perspective

Behnaz Vahabian^{1*}, Zahra Mohammadi²

Article Info

Article type:
Research article

Article history:
Received: 11 May 2023
Accepted: 19 July 2023

Keywords:
cognitive linguistics,
conceptual metaphor,
ontological metaphor,
Setar story.

ABSTRACT

Metaphor has a long history and a high position in Persian literature. Literature is inherently a social phenomenon, and the connection between literature and society is a long-standing and inextricable mutual link. Storytellers and poets have already mixed their social thoughts with artistic elements and expressed them in the form of poetry and prose. The aim of this study is to investigate the types of ontological metaphors in the story of *Setar*. The authors are looking for the question of how the ontological metaphors are used in the story of *Setar* and what concepts have been made tangible through this metaphor. The methodological nature of this qualitative study is descriptive-analytic, and the data were collected from the story *Setar* written by Jalal Al Ahmad. The findings indicated that the narrator has used metaphor well in order to convey the desired concepts. Also, the results showed that the use of ontological metaphors in this story was very frequent, such that the number of metaphor used in this story were 15 metaphors, including 3 metaphors of entity and substance and substance, 9 metaphors of container and place, and 3 metaphors of personification.

Cite this article: Vahabian, B. & Mohammadi, Z. (2023). "Mapping of Ontological Metaphor in the Story of *Setar* by Jalal Al-Ahmad from Cognitive Perspective". *Journal of Linguistic Studies: Theory and Practice*, 1 (2), 171-182.



© The Author(s).

Publisher: University of Kurdistan.

DOI: 10.22034/jls.2023.62842

1. Ph.D. in Linguistics, Ganjnameh University, Hamedan, Iran. (Corresponding Author)
E-mail: vahabian_behnaz@yahoo.com
2. Ph.D. in Linguistics, Zanjan University, Zanjan, Iran.
E-mail: zahram64@gmail.com

نگاشت استعاره هستی‌شناختی در داستان سه تار اثر جلال آل احمد از منظر شناختی

بهناز وهابیان*^۱، زهرا محمدی^۲

چکیده

استعاره در ادب فارسی، قدمت و جایگاه والایی داشته است. ادبیات ذاتاً پدیده‌ای اجتماعی است و پیوند ادبیات و جامعه پیوندی متقابل، دیرینه و انکارناشدنی است. نویسندگان و شاعران از دیرباز اندیشه‌های اجتماعی خود را با عناصر هنری آمیخته‌اند و در قالب شعر و نثر بیان کرده‌اند. هدف این پژوهش، بررسی انواع استعاره‌های هستی‌شناختی در داستان سه تار است. نگارندگان در صددند تا نشان دهند که استعاره‌های هستی‌شناختی در داستان سه تار چگونه به کار رفته است و چه مفاهیمی از طریق این استعاره ملموس شده‌اند. ماهیت روش-شناختی این پژوهش کیفی، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها از داستان سه تار اثر جلال آل احمد گردآوری شده‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که راوی به منظور انتقال مفاهیم موردنظر از استعاره بخوبی بهره گرفته است. همچنین، نتایج نشان داد که کاربرد استعاره‌های هستی‌شناختی در این داستان از فراوانی بالایی برخوردار بوده، به گونه‌ای که تعداد ۱۵ مورد از استعاره‌ها شامل ۳ استعاره هستومند و ماده، ۹ مورد استعاره مکان و ظرف و ۳ مورد استعاره شخصیت‌بخشی بوده‌اند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

تاریخ وصول:

۲۱ اردیبهشت ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش:

۲۸ تیر ۱۴۰۲

واژه‌های کلیدی:

زبان‌شناسی شناختی،

استعاره مفهومی،

استعاره هستی‌شناختی،

داستان سه تار.

استناد: وهابیان، بهناز و زهرا محمدی (۱۴۰۲). «نگاشت انواع استعاره‌های هستی‌شناختی در داستان سه تار اثر جلال آل احمد از منظر شناختی». پژوهش‌های زبان‌شناسی: نظریه و کاربرد، ۱ (۲)، ۱۸۲-۱۷۱.



حق مؤلف: نویسندگان

ناشر: دانشگاه کردستان

DOI: 10.22034/jls.2023.62842

۱. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، مدرس دانشگاه گنجنامه، همدان، ایران. (نویسنده مسؤل)

E-mail: vahabian_behnaz@yahoo.com

۲. دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی، مدرس دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

E-mail: zahram64@gmail.com

۱. مقدمه

در اوایل قرن ۲۱، با چاپ کتاب *استعاره‌هایی که با آن زندگی می‌کنیم*^۱ (لیکاف^۲ و جانسون، ۲۰۰۳) و مقاله «نظریه معاصر استعاره» (لیکاف، ۱۹۹۲)، استعاره مسیر تازه‌ای در پیش گرفت. استعاره که از زمان ارسطو تا دوره معاصر عمدتاً آرایه‌ای بلاغی و خاص زبان بود، به حوزه اندیشه و عمل انسان وارد شد. لیکاف و جانسون در آثار خود با ردّ نظر متقدمین، بیان داشتند که استعاره نه تنها در زبان، بلکه در اندیشه و کنش روزانه ما نیز جاری است. ویژگی این نوع استعاره عینی و فهم‌پذیر کردن مفاهیم انتزاعی است؛ انسان‌ها با کمک تجربه‌های فیزیکی، فرهنگی و محیط‌های پیرامون خود، مُدرکات ذهنی را بیان و همین مفاهیم بیان‌شده از زبان دیگران را درک می‌کنند؛ مفاهیم ذهنی حوزه مقصد^۳ به کمک تجربیات، در حوزه مبدأ^۴ عینی و فهم‌پذیر می‌شود. برای درک مفهوم استعاری واژه‌ها ابتدا باید طرح‌واره‌های تصویری به درستی تبیین گردد، زیرا طرح‌واره‌های تصویری، ترسیم حوزه مبدأ در مفهوم‌سازی‌های استعاری به شمار می‌آید. بر پایه تعریف جانسون طرح‌واره‌ها «عبارتند از الگویی تکرار شونده و پویا از تعامل‌های ادراکی ما که به تجربه ما انسجام و ساختار می‌بخشد (یو، ۱۹۹۸: ۲۳-۲۴)». هدف این پژوهش، بررسی انواع استعاره‌های هستی‌شناختی در *داستان سه تار* است. استعاره هستی‌شناختی^۵ یکی از سه گونه استعاره مفهومی است. در این نوع استعاره مفاهیم انتزاعی با کمک مفاهیم عینی مانند مواد، ظرف - مکان و جاندارانگاری و تشخیص، محسوس و فهم‌پذیر می‌شود. ویژگی مشترک زبان عرفانی و استعاره مفهومی، بیان کردن مفاهیم انتزاعی و مجرد در قالب عبارت‌های عینی، محسوس و درک‌پذیر است. هستی‌شناختی شاخه‌ای از فلسفه است که با ماهیت وجودی سروکار دارد (کوچش^۶؛ ۲۰۱۰: ۶۳). لیکاف و جانسون فصلی از کتاب خود را به این نوع استعاره اختصاص داده‌اند و ذیل این مبحث از سه نوع استعاره «هستومند و ماده‌ا»،

1Metaphors We Live By

2G. Lakoff

3M. Johnson

4target domain

5source domain

6N. Yu

7ontological metaphor

8Z. Kövecses

9Entity and Substance Metaphor

«مکان و ظرف» و «شخصیت‌بخشی» یاد می‌کنند (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۵۰). استعاره در حوزه واژگان باعث بسط معنا می‌شود. به عبارتی، معنای واژه را از حوزه‌ای به حوزه دیگر می‌برد. باید یادآور شد که استعاره، خاص زبان نیست و در دیگر جنبه‌های شناختی انسان مثل تقسیم‌بندی‌های اجتماعی و بازنمایی‌های تصویری (عکس، نقاشی و ...) نیز می‌توان مشاهده کرد (ایوانز و گرین، ۱۹۸۸: ۳۸).

۲. پیشینه پژوهش و مطالعات مرتبط

دهقان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «مفهوم‌سازی استعاره‌های قرآنی از منظر شناختی: مطالعه موردی سوره‌های صافات و کهف» به بررسی مفهوم‌سازی قرآنی بر اساس انگاره استعاره مفهومی (انگاره اسم) لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) به واکاوی انواع استعاره‌های مفهومی به کاررفته در سوره‌های صافات و کهف پرداخته‌اند. نتایج نشان داده است که تعداد استعاره‌های به کاررفته چگونه به خوبی از انگاره نام بهره گرفته است.

غلام‌شاهی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان «استعاره‌های جنگ بر بستر فرهنگ: مطالعه موردی کتاب «وقتی مهتاب گم شد» به بررسی رابطه میان استعاره و فرهنگ، نحوه مفهوم‌سازی استعاری مسائل و موضوعات مرتبط با جنگ در کتاب «وقتی مهتاب گم شد» در چارچوب نظریه استعاره مفهومی (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳) پرداخته‌اند. یافته‌های این پژوهش که همسو با دیدگاه زبان‌شناسان شناختی است، نشان داد که استعاره‌ها علاوه بر مبنای جسمانی، مبنای فرهنگی نیز دارند و یکی از راه‌های شناخت یک فرهنگ، شناخت استعاره‌های فرهنگی آن است.

آنتانروی^۵ و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان «پیوستگی استعاره و مجاز» بیان کرده‌اند که این مقاله با استفاده از یک طبقه‌بندی سه‌بعدی برای استعاره و همچنین با در نظر گرفتن عوامل ارتباطی، مفهومی و زبانی یک بازبینی دقیق از انواع استعاره به‌عنوان ابزار تحقیق در نظر گرفته شده است. علاوه بر این یافته‌ها، نشان دادند که تلفیق رویکرد شناختی در هنگام

1 container metaphor

2 personification metaphor

3 V. Evans

4 M. Green

5 A. Ilmenez

برجسته کردن استعاره و مجاز، زبان‌آموزان زبان دوم را به فراگیری تشویق می‌کند. زیرا تفاوت‌های بین زبانی و درون فرهنگی که این اشکال را توصیف می‌کنند، ممکن است باعث شود که استفاده از زبان مادری پیچیده گردد.

چینگ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان «بررسی استعاره‌های مفهومی و راهبردی ترجمه استعاره در گزارش کار دولت (۲۰۲۲-۲۰۰۲)» بیان کرده است که عبارات استعاری غنی استفاده شده در گزارش کار دولت نقش مهمی در تقویت و ترویج مبادلات فرهنگی با کشورهای خارجی ایفا می‌کند و به‌طور گسترده توسط مردم در داخل و خارج از کشور مورد توجه و تفسیر قرار می‌گیرند.

۳. روش‌شناسی پژوهش

ماهیت روش‌شناسی پژوهش حاضر که از نوع کیفی است، توصیفی-تحلیلی بوده و داده‌ها نیز به صورت کتابخانه‌ای از داستان سه تار گردآوری شده است. همچنین، نگارنده استعاره‌های موجود در این داستان را به صورت تصادفی و بازنمایی آن‌ها را در انواع استعاره‌های هستی‌شناختی مورد تحلیل و بررسی قرار داده است.

۴. رویکرد زبان‌شناسی شناختی

استعاره یکی از موضوعات مهم و اساسی در زبان‌شناسی شناختی است. زبان‌شناسی شناختی، حاصل مطالعات پژوهشگرانی است که به مطالعه رابطه زبان و ذهن علاقه‌مند بودند و تأکید اصلی آن‌ها بر اهمیت نقش معنا و فرایند مفهوم‌پردازی در مطالعه زبان و ذهن و نیز روش تعامل آن‌ها با یکدیگر است (ایوانز، ۲۰۰۷: ۲۲). در نگاه جدید، استعاره در سطح الفاظ روی نداده، بلکه کاربردی فراتر یافته و در سطح مفاهیم روی می‌دهد. زبان‌شناسان شناختی به دنبال کشف نحوه عملکرد استعاره‌ها در ذهن انسان از طریق بازنمودهای زبانی آن می‌باشند. آن‌ها الگوهای موجود در ساختار مفهومی واژگان و عبارات استعاری را به‌عنوان شاهدی جهت وجود استعاره‌های مفهومی نهفته در ذهن انسان می‌دانند. در این نظریه، استعاره دارای انواع ساختاری، جهتی و هستی‌شناختی می‌باشد. تجربه انسان از مواجهه با پدیده‌های جهان خارج به خصوص اشیاء، مبنای شکل‌گیری گستره وسیعی از استعاره‌های هستی‌شناختی را فراهم می‌کند و واضح‌ترین نوع استعاره‌های هستی‌شناختی استعاره‌هایی هستند که در آن‌ها به اشیاء و دیگر چیزها

خصوصیات و ویژگی‌های انسانی داده می‌شود.

در بررسی تاریخ زندگی یک استعاره ماندنی چندین مرحله را می‌توان قائل شد. در ابتدا وقتی یک استعاره ساخته می‌شود، تنها راه برای تفسیر آن استفاده از تاکتیک تعبیری و ذاتی شخص است که تابع بسیاری از قیده‌های ارتباطی می‌باشند. وقتی استعاره‌ای در یک جامعه گفتاری به کار گرفته و تکرار می‌شود، ویژگی آن دستخوش تغییر می‌گردد. در ابتدا معنای آن نسبت به یک استعاره‌ای که تازه استفاده شده، محدودتر و واضح‌تر می‌شود، سپس به صورت یک مورد جدید در واژگان ثبت می‌گردد، به طوری که با مرور زمان می‌تواند به عنوان یک عبارت لفظی بازنمود شود. در نهایت، زمانی که فرآیند انتقال معنا آغاز می‌گردد، باعث ضعیف شدن ریشه‌های استعاری خواهد شد که نتیجه آن، عبارت لفظی کم‌رنگ و در نهایت دیده نمی‌شود. هر چند که لیکاف معتقد است که می‌تواند دوباره زنده شوند (کرافت^۱ و کروزی^۲، ۲۰۰۴: ۲۸۸ - ۲۷۸). از نگاهی دیگر برخی استعاره‌ها به سبب تمرکز ذهن نویسنده بر یک نگاشت می‌تواند در سرتاسر یک اثر حضور داشته باشد و با کنترل متن، استعاره‌هایی را در حمایت از خود بیافریند. به این استعاره مرکزی کلان‌استعاره^۳ یا استعاره گسترده^۴ و به استعاره‌های حمایت‌کننده آن، خرده‌استعاره^۵ می‌گویند. کلان‌استعاره ممکن است خود آشکارا در متن نمود نیابد، ولی خرده‌استعاره‌ها حضور چنین استعاره‌ای را در متن نشان می‌دهد (کوچش، ۲۰۱۰: ۵۹).

لیکاف و جانسون (۱۹۸۷) از سه نوع استعاره مفهومی ساختاری^۶، هستی‌شناختی و جهتی^۷ نام می‌برند. در استعاره ساختاری، حوزه مبدأ، دانش ساختاری غنی و کاملی برای حوزه مقصد فراهم می‌کند که این دانش انعکاسی از اعمال روزمره ما در تعامل با محیط پیرامونمان است؛ مانند سازمان‌یافتن مفهوم «بحث» در چارچوب «جنگ» (لیکاف و جانسون، ۲۰۰۳: ۱۴). در استعاره جهتی، حوزه مقصد عمدتاً براساس جهت‌هایی مانند بالا و پایین، درون و بیرون، جلو و عقب، دور و نزدیک، عمیق و کم‌عمق و مرکز و حاشیه مفهوم‌پردازی می‌شود که این جهت‌ها

1W. Croft

2A. Cruse

3mega metaphor

4extended metaphor

5micro metaphor

6structural metaphor

7orientational metaphor

نتیجهٔ ویژگی‌های جسمانی و نوع عملکرد جسم در محیط فیزیکی است؛ برای نمونه مفاهیم شادی، هوشیاری، سلامتی، تسلط، بیشتر و فضیلت همه بالا هستند و مفاهیم غم، ناهشیاری، بیماری، تحت سلطه، کمتر و بد همه پایین هستند (همان: ۱۷-۱۵). لیکاف و جانسون استعاره‌های هستی‌شناختی را نیز به سه دسته تقسیم می‌کنند؛ نخست، استعارهٔ هستومند و ماده؛ در این استعاره، اجسام و اجرام فیزیکی و نیز مواد بنیانی برای درک مفاهیم انتزاعی فراهم می‌آورند؛ مانند «ذهن ماشین است» در جملهٔ «ذهن من امروز کار نمی‌کند». استعارهٔ مکان و ظرف؛ مانند «میدان دید ظرف است» در جملهٔ «او خارج از میدان دید من است» و استعاره‌های شخصیت‌بخشی؛ مانند «تورم موجود زنده است» در جملهٔ «مبارزه با تورم امری ضروری است» (همان: ۲۵).

استعاره هستی‌شناختی یکی از شاخه‌های استعاره مفهومی است که توسط لیکاف و جانسون مطرح شده است. لیکاف و جانسون استعاره مفهومی را به سه نوع تقسیم می‌کنند: استعاره جهت، استعاره هستی‌شناختی، استعاره ساختاری. معنی‌شناسان شناختی به کمک استعاره هستی‌شناختی مفاهیم و یا چیزهای غیر مادی، ناملموس و انتزاعی را به مثابه ماده شیء فیزیکی و ظرف تلقی می‌کنند. استعاره‌های هستی‌شناختی، شیوه‌هایی از دیدن مفاهیم نامحسوس مانند احساسات، فعالیت‌ها و عقاید را به مثابه یک هستی یا جوهر فراهم می‌سازند. برای مثال، وقتی تورم را که امری انتزاعی است به صورت یک هستومند در نظر می‌گیریم جنبه‌ای مشخص از آن را برگزیده و همچون یک علت آن را محسوب می‌کنیم با احتیاط با آن برخورد می‌کنیم و شاید حتی باور داشته باشیم که آن را درک می‌کنیم: تورم استانداردهای زندگی ما را پایین آورده است.

الف) استعارهٔ هستومند و ماده: در این نوع استعاره، مفاهیم انتزاعی با کمک تجربه‌ها، صورت عینی و ملموس به خود می‌گیرد و هستومند می‌شود. «درک تجربه‌ها به واسطهٔ اجسام و مواد به ما اجازه می‌دهد که بخش‌هایی از تجربه‌های خود را برمی‌گزینیم و آنها را وجودها یا مواد مجزا و مستقل از یک کل واحد به شمار می‌آوریم. استعاره‌هایی که پنجره‌هایی هستند برای نگرستن به رویدادها، فعالیت‌ها، احساسات، ایده‌ها و... به‌مثابهٔ هستی و مواد» و همچنین بر اساس تجربه کردن اشیای مادی و فیزیکی شکل می‌گیرند.

ب) استعاره‌های مکان و ظرف: در این نوع استعاره‌ها، دربارهٔ پدیده‌ها و اشیائی که در واقع، فاقد حجم و فاقد درون و بیرون هستند، طوری صحبت می‌کنیم که گویی درون و بیرون دارند.

پ) **استعاره‌های شخصیت‌بخشی:** در این نوع استعاره، شیء فیزیکی و مفهومی انتزاعی شخص پنداشته می‌شود و با این شخص‌انگاری می‌توان بسیاری از تجربه‌های مربوط به پدیده‌های غیرانسانی را در چارچوب انگیزه‌ها، مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی درک کرد.

۵. بررسی و تحلیل استعاره‌های هستی‌شناختی در داستان سه تار

هریک از این گونه‌های استعاره هستی‌شناختی کمک می‌کند بخش‌های وسیعی از تجربه‌ها و مفاهیم ذهنی، عینی و فهم‌پذیر شوند. در این بخش، قسمت‌هایی از داستان سه تار بررسی می‌شود که می‌توان آن را با هریک از این سه نوع استعاره هستی‌شناختی مطابقت داد.

جدول ۱.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۱	قیافه‌اش زرد بود	شخصیت‌بخشی

به میزان بسیار گسترده‌ای استعاره‌های عواطف در زبان فارسی بر اساس حوزه مبدأ رنگ‌ها قرار گرفته است. قیافه‌اش زرد بود «ناتوانی بر او چیره شده بود». از این جمله، این نتیجه حادث می‌شود که مفاهیمی که در حوزه مبدأ نگاشت‌های استعاری قرار می‌گیرند به حوزه تجربه واقعی انسان تعلق خواهند داشت. در نهایت یک استعاره هستی‌شناختی خواهیم داشت.

جدول ۲.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۲	خوشبختی‌های نهفته و شادمانی‌های درونی خود را در همه نفوذ داد	مکان و ظرف

در این جمله، حالت عاطفی و فیزیکی در درون شخص هستند. خوشبختی و حال خوش مانند هستی‌هایی در درون شخص مفهوم‌سازی شده‌اند. چون استعاره ظرف در این جمله به کار رفته است در نتیجه استعاره هستی‌شناختی خواهیم داشت.

جدول ۳.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۳	حالا میان مردمی که معلوم نبود به چه کاری در آن اطراف می‌لولیدند	مکان و ظرف

به اعتقاد جانسون، انسان از تجربه‌ای که از بودن در اتاق، ماشین، خانه و دیگر جاهایی که دارای حجم بوده و می‌توان آن‌ها را نوعی ظرف در نظر گرفت، بدن خود را نوعی ظرف که دارای حجم است در نظر می‌گیرد و بدین صورت، طرح‌واره‌های انتزاعی که نتیجه احجام

فیزیکی می‌باشند، در ذهن خود به‌وجود آورد.

جدول ۴.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۴	ته دلش از این واژه خواهد داشت	مکان و ظرف

این جمله یک طرحواره حجمی را بیان می‌کند. بدین صورت «دل» به مثابه ظرف در نظر گرفته شده است. در نتیجه طرحواره انتزاعی «واژه» از احجام فیزیکی در ذهن گوینده داستان پدید آمده است. حرف اضافه "ته" درون این حجم را نشان می‌دهد. در استعاره ظرف این نکته قابل تأمل است که هر کدام از ما در حقیقت یک ظرف هستیم با سطح فردی و جهت‌گیری‌های داخل و خارج و این موارد، استعاره‌های هستی‌شناختی را می‌سازند.

جدول ۵.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۵	فقط وقتی که از صدای ساز خودش به گریه بیفتد	هستومند و ماده

چنان‌که گفته شد در استعاره‌های هستومند و ماده، حوزه ملموس مواد بر حوزه انتزاعی‌تر نگاشت می‌شود تا حوزه مقصد ادراک شود. «صدای ساز» مفهوم انتزاعی است و با حوزه ملموس شیء درک می‌شود.

جدول ۶.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۶	صدای تار او را در ته آواز حزین او می‌جستند	مکان و ظرف

حرف اضافه «در» نشانه‌ای برای وجود طرحواره حجمی محسوب می‌گردد که بوسیله این حرف اضافه است که طرحواره حجمی بازنمود یافته است. در جمله فوق، «آواز» به‌عنوان ظرفی در نظر گرفته شده است که صدای تار در درون این ظرف قرار دارد، در نتیجه یک استعاره هستی‌شناختی می‌باشد.

جدول ۷.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۷	شادمانی‌های درونی خود را در همه نفوذ می‌داد	هستومند و ماده

در این نمونه، مفهوم «شادمانی» که یک مفهوم انتزاعی است و درک آن ممکن است پیچیده باشد بر مبنای استعاره‌های هستی‌شناختی قابل بیان هستند. «شادمانی‌ها»، حالت‌های عاطفی هستند که به‌عنوان هستی‌های فیزیکی و مواد در نظر گرفته شده‌اند. زیرا می‌دانیم در

این گونه استعاره‌ها مفاهیم انتزاعی بر اساس اشیاء، مواد و حجم دریافت می‌شوند.

جدول ۸.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۸	زخمه را با قدرت و بی‌اختیار سیم‌های تار آشنا خواهد کرد	شخصیت‌بخشی

در این نمونه از این داستان، انسان انگاری صورت گرفته است. «زخمه» که پدیده فیزیکی است. به عنوان شخص قلمداد شده است و این همان انسان انگاری در مفهوم استعاره است. پس استعاره هستی‌شناختی را تشکیل می‌دهد.

جدول ۹.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۹	تمام افکار او همچون سیم‌های سه تارش در هم پیچیده و لوله شده	شخصیت‌بخشی

در این نمونه «افکار» که مفهومی انتزاعی دارد به انسان تعبیر شده است. قابل ذکر است که انسان‌انگاری از آشکارترین نوع استعاره‌های هستی‌شناختی است که در آن هستی غیر انسان را بر حسب مشخصه‌ها و فعالیت‌های انسانی (در این جمله، در هم پیچیده و لوله شده) درک کنیم. این نوع از استعاره‌های هستی‌شناختی این امکان را فراهم می‌سازد که بتوانیم پدیده‌های انتزاعی «افکار» را در چارچوب اصطلاحات انسانی درک و بیان کنیم.

جدول ۱۰.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۱۰	کسی ززمه او را از ته کلاس نمی‌شنید	مکان و ظرف

این جمله را می‌توان یک استعاره هستی‌شناختی در نظر گرفت، زیرا از استعاره ظرف استفاده شده است. «کلاس» به عنوان حجم و ظرفی قلمداد شده و حرف اضافه «از» بیانگر حرکت از درون حجم به سمت بیرون است.

جدول ۱۱.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۱۱	در بی‌خبری فرو می‌رفت	مکان و ظرف

این جمله، یک استعاره هستی‌شناختی است، زیرا «بی‌خبری» که یک مفهوم انتزاعی می‌باشد به مثابه ظرفی در ذهن تلقی شده است و انسان می‌تواند با توجه به تجربه‌ای که از جهان فیزیکی خود دارد این مفهوم ذهنی را با استفاده از طرح‌واره حجمی مفهوم‌سازی نماید و

بتواند در حوزه شناخت مفهوم این جمله را درک نماید.

جدول ۱۲.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۱۲	در شب‌های دراز زمستان، وقتی از این گونه مجالس، خسته و هلاک برمی‌گشت	مکان و ظرف

در «شب‌های زمستان» از استعاره ظرف/مکان استفاده شده است و آن را به مثابه ظرف قلمداد نموده است. حرف اضافه «در» داخل بودن در این ظرف را نشان می‌دهد. پس یک استعاره هستی‌شناختی خواهیم داشت. همان‌طور که می‌دانیم هر کدام از ما یک ظرف می‌باشیم با یک مرز مشخص و در نظر گرفتن جهت‌گیری داخل-خارج. ما این جهت‌گیری داخل-خارج را روی اجسام فیزیکی که دارای مرزبندی مشخص می‌باشند، تصور می‌کنیم.

جدول ۱۳.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۱۳	راه خانه خود را در تاریکی‌ها می‌جست	مکان و ظرف

در این جمله، مفهوم انتزاعی «تاریکی» به‌عنوان یک طرحواره حجمی در نظر گرفته شده است. در این طرحواره‌ها انسان از تجربه‌ای که از بودن در فضاهایی که دارای حجم می‌باشند، دیگر مکان‌ها و حتی واژه‌هایی را که نمی‌توان برای آن‌ها حجمی در نظر گرفت را نوعی طرح‌واره حجمی قلمداد می‌کند. در نتیجه «تاریکی» را نیز نوعی حجم تلقی کرده است و بدین گونه طرح‌واره‌های انتزاعی که نتیجه حجم‌های فیزیکی می‌باشند، در ذهن خود پدید آورده است. پس «تاریکی» به مثابه ظرفی است که «راه خانه» در آن ظرف است. حرف اضافه «در» برای بودن در این ظرف استفاده شده است و چون طرحواره حجمی خود بر اساس استعاره ظرف است که در دسته استعاره‌های هستی‌شناختی است.

جدول ۱۴.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۱۴	گرمایی که در خود حس می‌کرد	مکان و ظرف

این جمله از نوع استعاره هستی‌شناختی است، زیرا ما از استعاره‌های هستی‌شناختی برای درک وقایع، کنش‌ها و حالت‌ها استفاده می‌کنیم. حالات به وسیله ابزار زبانی استعاره به مثابه ظرف مفهوم‌سازی می‌گردند. این مثالی است از اینکه حالت‌های عاطفی هستی‌هایی درون شخص می‌باشند و شخص مانند ظرفی در نظر گرفته می‌شود.

جدول ۱۵.

ردیف	استعاره	نوع استعاره هستی‌شناختی
۱۵	پاله امیدش همچون این ساز نویافته سه پاره شده بود	هستومند و ماده

بر اساس استعاره هستی‌شناختی، فهم تجربیات ما بر پایه اجسام و مواد این امکان را به ما می‌دهد که قسمت‌هایی از تجربه خود را انتخاب و به آن‌ها به شکل هستی‌ها و مواد جداگانه ای از یک نوع یکنواخت برخورد کنیم. وقتی بتوانیم تجربیات خود را بر حسب هستی یا ماده شناسایی کنیم، می‌توانیم به آن‌ها اشاره و آن‌ها را مقوله‌بندی کنیم و درباره آن‌ها استدلال داشته باشیم.

۶. نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر به بررسی استعاره در داستان سه‌تار اثر جلال آل احمد پرداخته شد که تحلیل‌ها نشان داد نویسنده داستان چگونه از استعاره برای انتقال مفاهیم موردنظر خود به خواننده استفاده کرده است تا از آن مسیر هم توانسته باشد مفاهیم ذهنی خود را به خواننده منتقل نماید و هم مخاطب را به تأمل وادارد تا برای درک آنچه که نویسنده در جامعه با آن درگیر است، تفسیرهای خاص خودش را داشته باشد. همچنین، نگارندگان درصدد بودند تا دریابند که نویسنده داستان کدام یک از انواع استعاره مطرح شده توسط لیکاف و جانسون (۲۰۰۳) را بیشتر مورد توجه قرار داده است. به همین منظور، یافته‌ها نشان داد که استعاره هستی‌شناختی از بیشترین میزان کاربرد برخوردار است و از این رو با بررسی این نوع استعاره مشخص شد که وی در داستان ۳ مرتبه از استعاره هستومند، ۹ مرتبه از استعاره ظرف و مکان و ۳ مرتبه از استعاره شخصیت‌بخشی استفاده نموده است.

منابع فارسی

- آل‌احمد، جلال (۱۳۸۹). سه‌تار. جلد ۲، قم: انتشارات خرم.
- دهقان، مسعود و بهناز وهابیان (۱۴۰۲). «مفهوم‌سازی استعاره‌های قرآنی از منظر شناختی: مطالعه موردی سوره‌های صافات و كهف». *مطالعات ادب اسلامی*، ۲(۱)، ۲۰۶-۱۸۳.
- غلام‌شاهی، احلام؛ منصوره شکرآمیز و ساسان شرفی (۱۴۰۲). «استعاره‌های جنگ بر بستر فرهنگ (مطالعه موردی کتاب «وقتی مهتاب گم شد»)». *زبان‌شناخت*، ۱۴(۱)، ۲۹-۳.

References

- Jlmenez-Munoz, A.; Lahuerta, M. & Cristina, A. (2017). "A Metaphor-Metonymy Continuum? Evidence from cross Field L2 Set Texts". *Ibérica*, 34: 257-278.
- Croft, W. & Cruse, A. (2004). *Cognitive Linguistics*, United Kingdom.
- Evans, V. (2007). *A Glossary of Cognitive Linguistics*. Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Evans, V. & Green, M. (1998). *Cognitive Linguistics: An introduction*, Edinburgh University press.
- Jing, Z. (2023). "A Study of Conceptual Metaphors and Metaphor Translation Strategies in the Report on the Work of the Government". *International Journal of Applied Linguistics and Translation*, 9(2): 50-60.
- Lakoff, G. & Johnson M. (2003). *Metaphors We Live by*. Chicago: University of Chicago Press.
- Kövecses, Z. (2010). *Metaphor: A Practical Introduction*. Exercises Written with Reka Benzes. 2nd Ed. New York: Oxford University Press.
- Yu, N. (1998). *The Contemporary Theory of Metaphor*. Amsterdam: John Benjamin.

